

آن باندك زمانى برسلم بلند پایه وزارت اعظم صعود نمود و منازل مرحوم حاتم بيك اعتمادالدوله بسكنى مرحوم مذکور اختصاص پذیرفته از راه فالى كه در بدایت كار كمال تنگدستى و توزع بال زده بود بآن عبرت سرا نقل مكان نمود و روز بروز بوساطت حسن كفایت و وفور جوهر ذاتى و ظهور كاردانى و راستى صاعد مصاعد انواع ترقیات گوناگون بود تا در خاطر قدسى سرائر خاقان رضوان مكان موقعى عظیم یافته مدار علیه كارخانه سلطنت و پادشا هی گردید و بنوعى بأس و سطوت وی در دلها قرار گرفت كه امرای عالی شان واركان دولت ابد نشان اندیشه مخالفت وی را خیال محال می شمردند و در عرض مدت وزارت با وجود آتش مزاجی و عدم اعتنا بسفك دما و تخریب خانها بتأسیس مبانی خیر و دلجوئی فقرا و ارباب استحقاق می پرداخت و برسانیدن ادرارات و انعامات بسكنه و زوار عتبات مقدسات و سدره مراتب و درویشان و گوشه نشینان این گروه سعادت پژوه را خوشدل و شادان می ساخت و چون در آغاز اهتراز بهارستان سلطنت این شهریار گردون بسطت چنانچه اشعاری بآن شد از راه سرکاری عمارات روضه مقدسه منوره شاهنشاه كشور امامت و ولایت علی مشرفیها الف الف تحف و اجرای نهر جاری بارض مقدس نجف اشرف رخت اقامت بآن ولایت کشیده با خدام آن روضه سپهر احترام و سگان آن بقعه خلد نظام آشنا گردیده بود و در ایام وزارت دیوان اعلی از ایشان فراموش نمی کرد و برسد یاد بود مبلغهای خطیر هر ساله بجهت ساکنان آن بقاع فلك شان میفرستاد بالجمله قصر رفیع البنیان وزارت در عهد وی باوج کیوان رسیده امرای عظیم الشان حلقه اطاعت و انقیاد خدمتش را بگوش جان میکشیدند و پایه قصر جلالش بجائی رسید كه در كتابه پیشطاق در مسجدی كه در دارالسلطنه اصفهان در جوار خانه خود اساس افكند مخدوم الامراء و خدام الفقراء نقش نمود و بعد از وی هیچكس را نیارای آن نبود كه زبان اعتراض بروی تواند كشود القصه روز بروز بر مدارج عز و علا ارتقا داشت تا خازن جنان رخت اقامت خاقان رضوان مكان را ببهشت جاویدان و

روضه رضوان کشیده اورنگ سلطنت و تاجداری بجلوس همایون خاقان خلد آشیان صاحبقران همدوش آسمان گردید و در آن عهد خجسته و زمان فرخنده نیز بتقریب کفایت اندیشی برا کفا و اقران پیشی گرفته عارج معراج الکمال جاه و جلال بود تا سانحه غریبه قتل وی چنانچه در محل خود گزارش یابد انشاء الله تعالی بزور سر پنجه سخت گیریهای غرور دولت روی نمود

منظر سوم در ذکر صدور عظام

صدر آرای این مجلس سامی در میبادی جلوس همایون شاهنشاه رضوان آرامگاه و اتف اسرار ازل و ابد میرزا رفیع الدین محمد شهرستانی بود که در زمان خاقان گیتی ستان فردوس مکان چنانچه در ذیل حدیقه خامسه ایمائی بآن شد بعد از آنکه مرحوم میرزا رضی عمزاده مشارالیه از مسند صدارت برخاست خدمتش بر آن مسند سامی نشست و چون مشارالیه انزوا و گوشه نشینی گزید در خشان اختر برج سیادت و فروزان گوهر درج نجابت میرزا حبیب الله صدر آرای سریر صدارت گردید جناب قدوسی انتساب خلف ارجمند رموز دان اسرار خفی و جلی میر سید حسین مجتهد جبلعاملی است که ذکر جمیلش در حدیقه دوم از این گلزار همیشه بهار گزارش پذیرفته ذات ستوده صفاتش مفسر کریمه ان هو الا ملک کریم سجایای رضیه و خصایل مرضیه اش در نظر تشنه لبان ماء معین مردمی نمونه از منهل عذب کوثر و تسنیم . ابر گوهر بار کف کریمش پیوسته بر کشت مرام محتاجان روزگار نمونه ابر آزار در فصل بهار و گلزار خلق عمیمش نسبت بکافه عباد مفسر کریمه ارم ذات العباد الذی لم یخلق مثلها فی البلاد از باددستیهای نسیم عنایت بی غایتش عمله و فعله سر کار وی بدرد تھی دستی گرفتار و بجهت انجام مصالح و ضروریات طعام شام تا نیم شب سرگردان شهر و بازار جامه دان محتاجی که پوشیده نواب در آن نباشد بجز صندوق خانه آن جناب نشان نمیدادند و سفره احتیاجی که مانده جود و احسانش را بر سر آن نبینند در جائی نمی گشادند . مجملات ذات ستوده صفات

و جلال صفات ملکی ملکاتش بیشتر از آنست که کلک بیان از عهده شمار کمی از بسیار آن بر آید. بالجمله تشریف والای صدارت بنا بر آنکه اختیار بخشش آن نداشت تا اواخر زمان فرخنده نشان خاقان رضوان مکان بر قامت قابلیتش پایدار و پیوسته منظور انظار عاطفت و احسان شهریار و الا تبار بود و بکرات مقربان بساط قرب و محرمان حریم انس از لفظ گهربار آنحضرت شنیده بودند که میفرموده که هر بار که میرزا حبیب الله را می بینم می پندارم که یکی از ائمه هدی علیهم التحیه و الثنا را دیده‌ام. القصه آن صدرنشین مجالس علیین سالها در عهد خجسته خاقان خلدآشیان صاحبقرانی بر مسند صدارت متمکن بود و هم در آن عهد فرخنده چنانچه در محل خود گزارش یابد بروضات جنان و بهشت جاویدان نقل مکان نمود

منظر چهارم در ذکر ایشک آقاسی باشیان آستان گردون شان

مشمول بر دو باب - باب اول ایشک آقاسی باشیان دیوان

نخست ممتاز ارباب امتیاز آن عهد و اوان زینل خان بیگدلو، شاملوست که در زمان فرخنده نشان نواب گیتی ستان فردوس مکان چنانچه در ذیل حدیقه خامسه اشعاری بآن شد بر مدارج عز و علا ارتقاء یافته باین منصب و الا سرافراز شده بود چون آن حضرت سیر سراپستان جنان را بر اورنگ سلطنت و شهر یاری و تخت ابهت و تاجداری گزیده خاقان رضوان مکان قایم مقام جد بزرگوار گردید روز بروز بر سام بلند پایه ترقیات گوناگون صعود مینمود تا بیایه بلند و کالت و مرتبه ارجمند سپهسالاری عروج فرموده راتق فاتق جزئی و کلی امور سلطنت ابد مدت گردید و چون کوکب هر کمالی را آفت زوالی درد نبال میباشد در اثنای اعلائی اعلام جاه و جلال در سال دوم جلوس همایون بشرحی که سبق ذکر یافت بیلدی تیغ سیاست بعالم باقی شتافت

دوم اغور لوخان ولد مهدیقلی خان شاملوست که والد مشارالیه در زمان

فرخنده نشان خاقان گیتی ستان فردوس مکان باین منصب سامی گرامی بود و چون

قضیه قتل زینل خان روی نمود خان مشارالیه که در سلك ایشک آقاسیان دیوان
انتظام داشت قدم صعود بسلم بلند پایه این منصب والا گذاشت و در سال چهارم
جلوس همایون چون سانحه قتل امام قلیخان امیرالامرای مملکت فارس و اولادوی
روی داد ایالت ولایت کوه کیلویه علاوه این منصب والا و مقرر گردید که بعد از
ورود بآن حدود سایر اولاد امام قلیخان را معروض تیغ سیاست گردانیده در مملکت
فارس از ایشان اثر و نشان نگذارد و بمقتضای قضا چون در خدمت مرجوعه مساهله
و مدارا نموده بود بجرم آن غفلت و کم خدمتی از ایالت کوه کیلویه معزول گردیده
بمنصب ایشک آقاسی باشیگری قناعت گزید و باین خدمت نمایان محسود امسال و
اقران بود تا در قضیه سیاست میرزا طالبخان اعتمادالدوله واقعه قتل وی نیز روی نمود
سوم امام قلی خان ایناللو یوزباشی قورچیان ایناللوست که بعد از واقعه
قتل اغورلوخان باین منصب ارجمند سر بلند شد و چنانچه گذشت در پای قلعه ایروان
مقتول گشت

چهارم بلندی بخش پایه قدر و شان جانی خان بود که بعد از قتل امام قلی
خان ایناللو افسر اعتبار این منصب والا را بفرق اقتدار گذاشت و هم در آن
اوان بعد از فوت امیرخان چنانچه گذشت بمنصب ارجمند قورچی باشیگری
سر بلند گشت

پنجم منظور نظر تربیت و احسان مرتضی قلیخان بیجرلوی شاملوست که چون
قامت قابلیت جانی خان بتشریف شریف قورچی باشیگری زیب و بها پذیرفت
مشارالیه از مرتبه یوزباشیگری قورچیان بیجرلو بمنصب ایشک آقاسی باشیگری
سر بلند شد و تا اوان انتقال خاقان رضوان مکان بحظایر جنان باین خدمت نمایان
محسود امرای عالی شان وارکان دولت ابد نشان بود و شرح مآل حال وی حواله
بزمان فرخنده اوان خاقان خلد آشیان صاحبقران اعلی الله مقامه فی اعلی منازل
الجنان است

باب دوم - ایشک آقاسی باشیان حرم علیه عالیه

چون اورنک سلطنت جاودان بجلوس همایون خاقان رضوان مکان همدوش
فرقدان گردید

نخست ابوالقاسم بیک ایواوغلی باین خدمت ارجمند سر بلند و راتق فاتق
امور سلطنت ابد پیوند بود چون قصر شوکت و اقتدار زینل خان سپهسالارانکسار
پذیرفت خدمتش نیز باشاره والا کابه انزوا گزید

دوم چلبی بیک آبدار باشی برادر مشارالیه بود که بعد از عزل ابوالقاسم
بیک مذکور بتفویض ایشک آقاسی باشیگری حرم علیه عالیه معزز و محترم گردید
و چون نخل حیاتش در جویبار تربیت و عنایت نواب گیتی ستان فردوس مکان بیایه
بلند نشو و نما رسیده بعمر دراز ممتع گردیده بود در مدتی که باین گرامی خدمت
سرافراز بود بنا بر آنکه نشیب و فراز لیالی و ایام را با اقدام تجربه پیموده بود در
بزم مشورت ابواب دخول بر روی خدمتش میگشودند و پیوسته بر مدارج عز و علا
ارتقا داشت تا پیرانه سر روی توجه بسفر ناگزیر گذاشت

سوم حیدر بیک ایواوغلی ولد ابوالقاسم بیک مذکور است که بعد از آنکه
چلبی بیک عم مشارالیه طریق عدم پیمود خدمتش باین خدمت ارجمند سر بلند گردیده
تا آخر زمان خاقان رضوان مکان باین خدمت سامی گرامی بود و مال حال وی
بدستور اقران و امثال در روزنامه چه اقبال خاقان صاحبقران خلد مکان بوضوح می پیوندد

منظر پنجم در ذکر سایر مقربان و اعیان و اعظام دولت ابد نشان
از آن جمله قولدر آقاسیان که در عهد سلطنت خاقان رضوان مکان سر کرده
و سردار غلامان خاصه شریفه بوده اند

نخست در آغاز بهار سلطنت پایدار چنانچه رقمزده کلک گوهر بار شد خسرو
میرزا که نقاره سلاطین گرجستان و در عهد سلطنت و تاجداری نواب گیتی ستان
فردوس مکان منظور نظر تربیت و احسان و داروغه دار السلطنه اصفهان بود موسوم

برستم خان گردیده بمنصب والای قولدر آقاسی گری و لقب ایالت رسید و چون
از راه و فور خیر اندیشی و خیر خواهی منظور نظر تربیت و عنایت شاهنشاهی و بایالت
ولایت گرجستان کارتیل و لقب ارجمند اخوی ام مفتخر و مباحی و بآن ولایت
راهی گردید

سیاوش بیک یوزباشی غلامان سرکار خاصه شریفه بمنصب ارجمند قولدر
آقاسی گری سربلند شد و پیوسته صاعد مصاعد تربیت و احسان بود تا نوبتی از راه
سرکردگی جنود مسعود در محاربه کوچک احمد و بعد از آن سرداری مملکت خراسان
بر مدارج اقتدار صعود نمود و افسر اعتبار این گرامی خدمت زیور فرق اقتدار وی
بود تا خاقان رضوان مکان بروضات جنان نقل مکان نمود و بعد از آنکه اورنگ
سلطنت جاودان بجلوس همایون اعلیحضرت خاقان خلد مکان صاحب قران همدوش
فرقدان گردید سالها باین گرامی خدمت سرافراز و ابواب ترقیات گوناگون چنانچه
در محل خود گزارش یابد بر روی دای رزین و تدبیر گزین وی باز بود

تفنگچی آقاسیان که در زمان خاقان رضوان مکانی باین منصب ارجمند

سربلند بوده اند

نخست منظور نظر توجهات و مشمول عنایات بیغایات زمان بیک ناظر بیوتات
بود که باین منصب والا ارتقا داشت خدمتش در بدایت حال بملازمت ملک کجور
اشتغال می نمود و چون بخیریت ذات و پسندیدگی صفات متصف بود در زمان
فرخنده او ان خاقان کیتیستان فردوس مکان قدم بر سلم بلند پایه ترقیات گذاشت
و نخستین پله مدارج اعتبارش ملازمت در میان غلامان بود و بعد از آن جارچی
غلامان گردیده رفته رفته بحسن خدمات شایسته و جانفشانیهای بایسته بیایه والای
نظارت بیوتات رسید و در عهد فرخنده خاقان رضوان مکان چون بحسن تدبیر و
اصابت رای انگشت نمای جهانیان بود بیایه بلند سرداری خراسان و مرتبه ارجمند
تفنگچی آقاسیگری صعود نمود و بعد از تقدیم خدمات سزاوار که حسب الرقم مطاع

وانه در گاه آسمان جاه بود در عرض راه چنانچه در محل خود گذشت متوجه سفر
اکتیر گشت و بعد از وی عارج معارج عزو شان رستم خان سپهسالار ایران و
میرالامرای دیار آذربایجان باین منصب والا ارتقایافت و شرح حال خان مشارالیه
در محل خود گزارش خواهد یافت انشاء الله تعالی

دیگر از تفنگچی آقاسیان میرفتاح قومه مین باشی تفنگچیان اصفهانی بود
که در سال فتور دارالسلام بغداد بتغییر رستم خان سپهسالار چنانچه ایمائی بآن شد
باین منصب سامی گرامی گردید و صاعد مصاعد عزو علا بود تا فتور آن خطه خلد
بنیاد روی نمود و بعد از تسخیر آن ملک دلپذیر سلطان مراد خواندگار مشارالیه
را بمرافقت امرای قلعه دار بدیار روم برده در آنجا بتیغ قهرمان قهر سپرد

دیگر آقا طاهر برادر کهنتر میرفتاح بود که بعد از انتشار و اشتهار اخبار
دارالسلام خاقان رضوان مقام بمقتضای شیمه کریمه مودت و رعایت حقوق خدمت
آقا طاهر مذکور را منظور نظر تربیت و عنایت دیده از مرتبه مین باشیگری باین
منصب ارجمند سر بلند و بمیرفتاح ثانی موسوم گردانید و خدمتش تا آخر زمان
آنحضرت چون باین گرامی خدمت سرافرازی داشت شرح مآل حال وی را در
زمان خاقان خلد مکان صاحبقران بر صحیفه بیان خواهد نگاشت انشاء الله تعالی

اما ناظران بیوتات

نخست زمان بیک در آغاز بهار سلطنت پایدار افسر اعتبار این منصب والا
را زیور فرق اقتدار داشت و چون بتقریب سرداری خراسان بمنصب سامی تفنگچی
آقاسیگری رسیده بود شرح حال وی گذشت

دیگر حسینخان بیک خلف زمان بیک مذکور بود که بعد از فوت والد از
خدمت جلیل القدر توشمال باشیگری برمدارج ترقیات نظارت بیوتات صعود نموده
وبنا برآنکه در انجام مهام مرجوئه لوازم سعی و اهتمام بتقدیم میرسانید در سال فتح
ایروان سه قبضه توپ گران از دارالسلطنه اصفهان بیای قلعه ایروان نقل نموده

منظور تربیت و عنایت گردید و با آنکه بتوجهات بیکران خاقان رضوان مکان محسود امرای عالیشان بود میرزا تقی اعتمادالدوله را با مشار الیه بر سر مالیات دیوان مناقشات و مناظرات روی نموده اکثر اوقات مغلوب میرزا تقی مذکور می بود و پیوسته در میان خوف ورجا بر مدارج عز و علا ارتقا داشت تا دست عنایت بیکران افسر امتیاز ایالت ولایت دارالمؤمنین استرآباد را بر فرق اقتدار وی گذاشت

دیگر عارج معارج خیر خواهی و کاردانی محمد علی بیگ اصفهانی بود که بعد از آنکه حسینخان بیگ بایالت دارالمؤمنین استرآباد رسیده حسینخان گردید خدمتش بمنصب ارجمند نظارت بیوتات رسید مرحوم مذکور در زمان فرخنده نشان نواب گیتیستان فردوس مکان بمعرفی خیر اندیشی و خیر خواهی روشناس تربیت و عنایت خاقان گردون اساس گردیده در لباس کر کیراقی و بسافسر سر بلندی محرمیت و تقرب خدمت آن حضرت رسیده روز بروز بر مدارج ترقیات حسن خدمت و مراعات مصلحت دولت ابد مدت صعود می نمود نا رفته رفته پایه قدر و منزلت وی بجائی رسید که دربار اعتبارش مرجع امرای رفیع مقدار و محل تردد و حل و حل و تر حال صغار و کبار روزگار گردید و خاقان قدر دان کالی و جزئی امور سلطنت را بصوابدید رای رزین و عقل دور بین وی متعلق شمرده ارکان دولت ابد قرین و سایر امرا و خوانین در پذیرائی امور بدو توسل میجستند و بدوات کاردانی و نیک ذاتی مدار علیه کارخانه سلطنت بود و چون خاقان خلد سریر را بیلدی قاید قضا سفر ناگزیر پیش آمده بگلزار جنان نقل مکان نمود در آغاز بهار دولت پایدار خاقان رضوان مکان خدمتش را از راه حجابت سفر دور و دراز هندوستان پیش آمده بعد از معاودت از آن ولایت بمنصب والای وزارت موقوفات سرکار قدیمی و جدیدی دارالسلطنه اصفهان سرافراز شد و چنانچه گذشت بعد از آنکه حسین خان بیکریگی دارالمؤمنین استرآباد گشت بمنصب والای نظارت بیوتات سر بلند و راتق فائق مهام دولت ابد پیوند گردید و تا آخر زمان فرخنده

نشان آنحضرت افسر سرافرازی این منصب والا زیور فرق اقتدار آن خیر خواه خیراندیش بود و نخل حیاتش که بسالهای دراز مثمر انواع خیرات و مبرات بود در بهار دولت خاقان خلد آشیان صاحبقران چنانچه در محل خود ایمائی بذکر آن خواهد شد بآفت خزان پیری از پای درآمده طریق سفر ناگزیر پیمود

اما امیر شکار باشیان که در آن عهد فرخنده و زمان خجسته باین منصب نمایان محسود اکفا و اقران بودند

نخست یوسف آقای یوزباشی غلامان خواجه سرا که پیر تو انوار محرمیت رؤسید دنیا و آخرت میباشند باین خدمت ارجمند سر بلند بود و چون در زمان نواب گیتی ستان فردوس مکان بمعلمی تربیت آن حضرت سواد خوان دبستان حسن خدمت و عارج معارج اعلی مرتبه قرب و منزلت شده بود بعد از سرافرازی باین خدمت ارجمند بال بلند پروازی گشوده شغل خطیر میر شکاری را بجهت برادرزاده خود استدعا نمود و چون باصابت رای و حسن تدبیر خود را بی سهم و نظیر میدانست و در کلی و جزئی امور سلطنت دخل مینمود چنانچه گذشت معروض تیغ سیاست خاقان رضوان مکان گشت

دیگر قوجه بیک برادرزاده یوسف آقای مذکور بود که چنانچه ایمائی بآن شد حسب الاستدعای یوسف آقا باین منصب والا ارتقا یافت اما روزگار اعتبارش چندان امتدادی نیافته بعد از قتل یوسف آقا معزول شد و بعد از عزل قوجه بیک مذکور خسرو سلطان ارمنی که از جمله غلامان جدید الاسلام و سالها داروغه ایل بختیاری و مدتی حاکم ایل جوانشیر بود باین منصب والا و حکومت ولایت ابهر سر بلند گردید و بنا بر اتصاف بصفات حسنه خیر خواهی و نیک ذاتی در خدمت نواب خاقان رضوان مکان باعلی مدارج اعتبار و اقتدار صعود نموده تا آخر زمان آن حضرت بافسر این گرامی خدمت سر بلند بود

اما امیر آخور باشیان که در زمان فرخنده اوان آن حضرت صاعد

مصاعد قرب و مترت بودند

نخست ابوالابای مناصب عالی علی بیک زنگنه مشهور بعلی بابی که از تربیت یافته‌های زمان خجسته نشان خاقان کیتی ستان فردوس مکان بود در اوایل جلوس همایون باین منصب متعالی سرافرازی داشت خدمتش در بدایت حال ملازمت فرهاد خان قرامانلو اختیار نموده امیر آخور باشی آن خان رفیع مقدار بود و بعد از قضیه قتل خان مذکور بامداد بخت بلند و طالع ارجمند منظور نظر تربیت و عنایت آنحضرت و بمنصب جلیل الاعتبار امیر آخور باشیگری خاصه شریفه سر بلند گردید و پیوسته در معارك و مهالك قافله سالار کاروان جرات و جلادت و سر کرده و سردار سربازان میدان شجاعت و شهامت بود در امر لشکر کشی و دشمن کشی رای رزینش دستور العمل کهنه سپاهیان جهان و عقل متینش در سپه آرائی و نبرد آزمائی سر مشق عقلای دوران بشمار می آمد چون از کریوه این مرحله فانی مرکب زندگانی بجهان جاودانی تاخت پرتو انوار تربیت و عنایت شاهانه شاهرخ بیک خلف اکبرش را امیر آخور باشی و قایم مقام پدر ساخت و بعد از آنکه بایالت ولایت دینور و کلهر و سنقر سر بلند و در میان امرای عالی شان شاهرخ سلطان گردیده در آن کشور بر اثر پدر رخت اقامت بجهان دیگر کشید. پسر دیگرش شیخعلی بیک که فروزنده چراغ خانواده پدر بود بجای برادر باین منصب ارجمند سر بلند شده افسر ایالت آن ولایت را زیور فرق اقتدار خود دیده شیخعلی سلطان شد. نجفقلی بیک برادر دیگر امیر آخور باشی شد و چون این دو برادر بلند اختر تا آخر زمان خاقان رضوان مکان باین دو منصب ارجمند سر بلند بودند شرح ترقیات ایشان بر مدارج عزو شان درین گلستان بیخزان رقمزده کلك بیان خواهد شد انشاء الله تعالی و بنا بر آنکه ارتفاع و انخفاض کوکب اقبال این صاعدان مصاعد جاه و جلال بتقریب گزارش جواهر واقعات هر سال درین حدیقه مینو مثال سبق ذکر یافته اگر ناظران این

منظر مکرر شمرند بمضمون المسك ما کرزته يتضوع عذر آن خواسته است
مصراع بزرگان خرده بر خوردان نگیرند

اما مجلس نویسان مجالس ارم نشان

نخست میرزا طالبخان چنانچه ایمائی بآن شد درسال اول جلوس همایون
باین شغل سامی گرامی شد و چون خدمتش مسند آرای سریر وزارت دیوان اعلی
گردید میرزا محمد تویسرکانی باین منصب سامی رسید مشارالیه در زمان فرخنده
نشان نواب کیتی ستان فردوس مکان منظور نظر تربیت و عنایت آنحضرت گردیده
نخستین پایه سلم ترقیاتش وزارت ناظر بیوتات و بعد از آن پایه بلندی این منصب
ارجمند بانضمام وزارت غلامان بود و چنانچه گذشت چون میرزا طالبخان مجلس
نویس مجالس خلد نشان گشت بوزارت غلامان محسود اکفا و اقران بود تا طالب
خان بیایه والای وزارت اعظم صعود نموده بتجدید شغل مجلس نویسی بمیرزا محمد
مشارالیه رسید و باین دو منصب ارجمند ممتاز و سر بلند بود تا در خطه طرب انگیز
دارالسلطنه تبریز چنانچه در محل خود گزارش یافت طریق عدم پیمود و بعد از فوت
مشارالیه میرزا معصوم باین پایه والا ارتقا یافت خدمتش در زمان نواب کیتی ستان
فردوس مکان در سلك ملازمان خواجه محمد رضای فدوی مشهور بسارو خواجه
انتظام داشت چون خواجه مذکور ابواب تقریر بر روی قواما محمد مستوفی الممالک
گشوده چنانچه گذشت در میان ایشان سخن بدراز کشید میرزا معصوم مشارالیه
مستوفی بقایا و بعد از فوت میرزا محمد چنانچه اشعاری بآن شد مجلس نویس گردیده
وروز بروز صاعد مصاعد عزت و اعتبار بود تا میرزا تقی بسلم بلند پایه وزارت
اعظم مرتقی گردیده با فساد ارباب فتنه و فساد ابواب خصومت و عناد بر روی میرزا
معصوم گشاد و پیوسته در صدد کسر اعتبار روی بود تا خاقان رضوان مکان بسراستان
جنان و بهشت جاویدان نقل مکان نمود

اما حکمای مسیحاپیشه و اطبای جالینوس اندیشه آن عهد و اوان

اول بالا نشین مسند عزت و علا حکیم شمسای خلف حکیم سیفای کاشی طبیب ذات اقدس و حکیم باشی بود و از راه خیریت ذات و ستودگی صفات محرم حریم قرب خدمت و در بزم مشورت همنشین امرا و ارکان دولت گردیده پایه قدرش به اقصی الغایه قرب و منزلت رسید و این معنی بر خاطر اعیان و اکابر بتخصیص میرزا تقی اعتمادالدوله گران آمده با آنکه در سوابق ازمان بایکدیگر دوست جان در یکقالب بودند ابواب معادات و عیب جوئی بر روی هم گشودند و چون در کشتی خصمانه گیری کسی با میرزا تقی بر نمی آمد حکیم مذکور چنانچه در محل خود گذشت از عرش الکمال عزت و اعتبار ساقط و هابط گشت

دیگر ممدوح دانشوران حقیقی و مجازی حکیم احمد ولد حکیم سلمان شیرازی بود که بعد از حکیم شمس الدین محمد بیال و پر حسن خدمات شایان باوج بلند پروازی قدر و منزلت بر آمده طبیب ذات قدسی گردید و چون در دبستان فطرت سوادخوان حسن خدمت بود بیایه و الای معلمی آنحضرت صعود نموده بر مدارج قدر و منزلت وی افزود و پیوسته صاعد مصاعد عزت و اعتبار بود تا هایلله جانگزای خاقان رضوان مکان روی نمود

دیگر میرزا محمد خلف اکبر حکیم محمد باقر قمی از احفاد حکیم عمادالدین محمود بود که در فن طبابت بحد اقت مشهور و در سایر علوم یگانه روزگار خود بود و بنا بر آنکه در معالجه و مداوا بنا بر احتیاط زیاد دست جرات نمی گشاد حسب الاستدعا بمنصب کتابداری خاصه شریفه سر بلند گردیده در بین خدمت ارجمند روزگار وی بیایان رسید

اما از اطبای حد اقت پیشه که در آن عهد فرخنده قدم بر سام بلند پایه ملازمت نهاده در زمان فرخنده نشان اعلی حضرت خاقان خلد آشیان صاحبقران بر مدارج اعتبار صعود نموده میرزا محمد حسین و میرزا محمد سعید برادران کهتر میرزا محمد

مشارالیه و حکیم کاشفای یزدی و میرزا ابراهیم و حکیم حسام الدین مشهور بمیرزا شاه حسام پسران وی بودند که در آن عهد خجسته و زمان فرخنده بر مدارج ترقیات نمایان صعود نمودند و شرح حال ایشان حواله بذیل روزنامه چه اقبال آن یگانه گوهر بحر سلطنت و جلال است

و همچنین منجمین زمان خاقان رضوان مکان

فخست ملکی المنجمین میرزا محمد شفیع و میرزا محمد تقی ولدان مرحوم مولانا مظفر جنابدی که ابوریحان عهد و بطلمیوس زمان بودند از اکفا و اقران گوی تفوق و رجحان میر بودند و میرزا محمد تقی چنانچه ایمائی بآن شد در بزم میگساری بجرم تنک شرابی دیده ظاهر بین از مشاهده جهان گذران پوشیده گوشه نشین و منزوی گردید و میرزا محمد شفیع تا آخر زمان آن حضرت از محرمان حریم قرب و مقربان بساط انس بود و چون هر دو برادر ادراک زمان فرخنده نشان خاقان خلد آشیان صاحبقران نموده بین الامثال و الاقران بعواطف خسروانه و مراحم پادشاهانه ممتاز بودند شرح حال ایشان نیز حواله بذیل روزنامه چه اقبال آن خسرو بیهمال است

دیگر از رصد بندگان فلک تنجیم میرزا محمد مقیم ولد میرزا محمد شفیع مذکور بود که بدستور پدراستوده سیر تا آخر زمان آنحضرت بر مدارج عز و علا ارتقا داشت و شرح حال وی نیز حواله بزمان فرخنده او ان خاقان خلد آشیان صاحبقرانی است دیگر در فن نجوم و در سایر فنون ریاضی ماهر مولانا محمد طاهر یزدی بود که در عهد سلطنت و پادشاهی نواب گیتی ستان فردوس مکان از جمله مقربان بساط قرب و محرمان حریم انس بود و در آخر زمان خاقان رضوان مکان بعلت هم چشمی معاندان روزی چند از نظر تربیت و عنایت خاقان گردون منزلت افتاده هم در آن زمان دیگر باره قدم بر سلم بلند پایه قرب و منزلت نهاد و بر مدارج عز و علا ارتقا داشت تا در زمان فرخنده او ان خاقان صاحبقران خلد آشیان روی توجه بجهان جاودان گذاشت و میرزا محمد علی و میرزا محمد شفیع و میرزا باقر پسران وی که

هر يك در فن ریاضی اعجوبه زمان بودند در زمان خاقان خلد آشیان طریق ادراك شرف ملازمت می پیمودند و شرح حال ایشان در محل خود گزارش خواهد یافت
انشاء الله وحده العزیز

منظر ششم در ذکر صاحبجمعان و اعیان عمله بیوتات و سایر مقربان آستان گردون شان که در زمان خاقان رضوان مکان بافسر ملازمت و شرف

قرب خدمت سر بلند بوده اند

سفره چی باشیان

چون جلوس همایون بر اورنگ سلطنت ربع مسکون روی نمود خلف بیک سفره چی باشی زمان فرخنده نشان نواب گیتی ستان فردوس مکان باین منصب ارجمند سر بلند بود مشارالیه از اعظام صوفیان قراجه داغ و مردم ارسباراست در بدایت حال ملازم فرهاد خان قراملو و سر کرده سفره چیان مجلس او بود و چون تیغ قهرمان قهر خاقان گیتی ستان فردوس مکان بخون خان مذکور کنگون گردید بمعرفی بخت بلند خاقان اقبالمند شناسای حال وی گشته خدمتش را بمنصب ارجمند سفره چی باشیگری خاصه شریفه سر بلند گردانید و رفته رفته بخدمات شایسته و ترددات بایسته بر مدارج ترقیات صعود مینمود تا چرخچی باشیگری عسا کر اقبال علاوه خدمت مرجوعه وی گردید و چون جمع آمدن این دو خدمت نمایان در يك مکان صورت امکان نداشت حسب الاستدعای مشارالیه خاقان رضوان مکان افسر اعتبار سفره چی باشیگری را بفرق اقتدار ابراهیم سلطان خلف وی گذاشت و بنا بر مهارت در امور دارو گیر و اصابت رای و تدبیر انجام مهام قلعه دارالسلام بحسن سعی و اهتمام وی تعلق گرفته رخت اقامت بآن ولایت کشید و چنانچه در سال فتور بغداد بر صحیفه بیان ثبت افتاد سلطان مراد او را مقید و مفلول باستنبول فرستاد و در آنجا بعد از آنکه مدتی محبوس بود بقتل وی فرمان داد و ابراهیم سلطان تا آخر زمان خاقان رضوان مکان باین خدمت نمایان محسود اکفا و اقران بود

توشمال باشیان

در آغاز بهار سلطنت روز افزون که مرحوم زمان بيك ناظر بیوتات بود حسینخان بيك ولد مشارالیه بخدمت توشمال باشیگری سرافرازی داشت و بعد از فوت زمان بيك که حسینخان بيك قائم مقام پدر و ناظر بیوتات شد شاهویردی بيك پسر دیگر خلف بيك که در میان امثال و اقران متصف بصف صلاح و سداد و از جمله زائران حرمین شریفین زادهما الله شرفاً و تعظیماً بود بمنصب توشمال باشیگری سربلند گردید و تا اواخر زمان خاقان رضوان مکان باین خدمت نمایان قیام و اقدام داشت

داروغگان فراشخانه

در آغاز جلوس همایون قامت قابلیت نقدی بيك شاملو که در زمان نواب گیتی ستان فردوس مکان قدم برسام اعتبار ایشک آقاسی باشیگری حرم محترم گذاشته چند گاه ازین راه در میان اقران و اشیاء معزز و محترم بود بتشریف این منصب سامی سرافرازی داشت و چون افسر ایالت مرو و کوه کیلویه بشرحی که گذشت زیور فرق اقتدار وی گردید داروغگی فراشخانه بزینل بيك ولد مشارالیه رسید و چون نقدی خان درفتور بغداد بدست رومیان افتاده روی گرفتاری بدیبار روم نهاد و زینل بيك پسرش بایالت ولایت کوه کیلویه سرافراز شد خدمت داروغگی فراشخانه بحیدر بيك خلف ارجمند خان عالی شان زینل بيك بیگدلی سپهسالار و وکیل السلطنه آن عهد و اوان اختصاص پذیرفت و تا اواخر زمان آنحضرت باین خدمت سزاوار صاحب اعتبار و شرح مال حال هر يك از ایشان در زمان فرخنده نشان اعلیحضرت خاقان خلد آشیان صاحبقران رقمزده کاک بیان خواهد گشت انشاء الله تعالی

شیره چی باشیان

در آغاز بهار میگساری این کلدسته گلزار شهریاری بایندر بيك قراجه داغی

بساغر سرشار اعتبار شیره چی باشیگری تردماغ بود چون بامارت قراجه داغ و لقب سلطانی سربلند گردید این خدمت سراپا کیفیت دماغ اعتبار امیر بیک ارمنی غلام خاصه شریفه را که پیش خدمت شیره خانه بود دوبالا رسانید و بعد از آنکه امیر بیک بتفویض حکومت الکای کسگر امیر خان و روانه آنکشور شد عنایت خسروانه صفی قلی بیک ولد او را بخدمت شیره چی باشیگری سرافرازی کرامت فرمود و مشارالیه تا آخر دوران آن حضرت باین خدمت سربلند بود و بقیه احوال پدر و پسر بدستور مقرر در ذیل حدیقه سابقه (۱) محرر خواهد گشت انشاء الله تعالی

جبادار باشیان

در سال فرخ فال جلوس همایون این طرازنده اورنگ اقبال که زینل خان سیهسالار و کیل السلطنه و راتق فاتق امور سلطنت بود شاهنظر بیک شاملو باین منصب ارجمند سربلندی داشت و بعد از وی عرب بیک اغزیوار اوغلی شاملو که جبادار باشی و قایم مقام او گردید و بعد از فرخ خان چون مشارالیه با فسر ایالت ولایت شیروان سربلند و عرب خان بیگلربیگی شیروان گردید حاجی بیک برادرش باین خدمت نمایان محسود اکفا و اقران شد و چون حاجی بیک در سال معاودت از فتح ایروان بدار السلطنه اصفهان چنانچه ایمائی بآن شد در اثنای استقبال موکب اقبال بضرر چوب ازین خانه دودر بدر رفت ابوالفتح بیک عمزاده وی بروی کار آمده بمنصب جبادار باشیگری سربلند شد و تا آخر زمان خاقان رضوان مکان باین خدمت نمایان ممتاز و سرافراز بود و بقیه حال وی و عرب خان که هم در آن زمان بعزت غلوای سودا خبط دماغ از ایالت شیروان معزول شده بود در زمان فرخنده نشان خاقان خلد آشیان صاحبقران رقمزده کاک بیان خواهد شد انشاء الله تعالی

آبدار باشیان

در مبادی جلوس همایون چلبی بیک ایواوغلی برادر ابوالقاسم بیک ایشک آقانی باشی حرم علیه عالیه بمنصب آبدار باشیگری معزز و محترم بود و چنانچه

(۱) حدیقه هفتم تاریخ خلد برین مشتمل بروقایع ایام سلطنت شاه عباس ثانیست

گذشت بعد از آنکه قدم بر سلم بلند پایه ایشک آقاسی باشیگری حزم محترم نهاد خدمت آبدار باشیگری آبی بروی کار اعتبار جعفر بیک ولد ابوالقاسم بیک مذکور آورده تا آخر زمان آن حضرت از چشمه سار این خدمت کشت مراسم سرسبز و ریاض بود

مشعلدار باشیان

در آغاز طلوع مهر جهانتاب سلطنت چراغ قدر و پایه مرتضی قلی بیک ولد محمد رضا بیک مشعلدار باشی زمان خاقان گیتی ستان فردوس مکان پیر تو این خدمت نمایان فروزان بود و چون پرتو شمع اعتبارش بصرصر جرمی بی اختیار انظفا پذیرفته معزول شد مهدیقلی بیک برادر مشارالیه که متصف بصفه مردمی و نیک ذاتی بود بارجاع این منصب چراغ خانواده پدر را روشن نمود و تا آخر زمان خاقان رضوان مکان باین خدمت نمایان محسود اکفا و اقربان بود

زرگر باشیان

در زمان دولت این شهریار کان یمین بحر یسار که شمار سیم و زر در کف کار کنان دولت پایدار پیشمار بود سعادت مندی از سادات عالی درجات دارالسلطنه تبریز میر محمد سمید نام درزر گرخانه خاصه شریفه زرگر باشی و پیوسته در مصارف کسب اعتبار کارش زر پاشی بود و با اکثر امرای عالی شان طریق مصاحبت و آمدورفت مفتوح داشت و روز کار بخوشدلی و پاکیزه روز کاری میگذرانید تا در همان زمان معیزالممالک شد و بعد از آن از روز کار رسید با آنچه بدینگران رسید و اخلاف کرام وی در زمان خاقان خلد آشیان صاحبقران در سلك غلامان این آستان گردون شان انتظام یافته بمرور دهور و تعاقب اعوام و شهرور بر اثر پدر بعالم دیگر شتافتند

قبچاچی باشیان

در آغاز جلوس همایون صاحب جمع قبچاچی خانه خاصه شریفه علیقلی بیک نامی از غلامان بود عاقبت ضابط و جوه و عشور و خروج بندر مبار که عباسی گردید

و چون در زمان اقتدار میرزا تقی اعتمادالدوله مودیان محاسبات از سخت گیریهای او نجات نمی یافتند از بیم مؤاخذة و بازخواست گریزان گردیده بهند دکن شتافت و در آن کشور بسر میبرد تا فرمان یافت و بعد از او محمد صالح بیک اردبیلی بعلاوه شغل ملك التجاری باین خدمت ارجمند سربلند گردیده تا آخر زمان خاقان رضوان مکان باین دو خدمت نمایان روزگار میگذرانید

اما صاحب جمعی قیچاچیخانه امرائی در عهد سلطنت آن حضرت باحسن بیک ولد حسین بیک تبریزی بود و در زمان فرخنده او ان خاقان خلد آشیان صاحبقران چون محمد بیک برادر مشارالیه پایه والای وزارت اعظم مرتقی گردید شرح حال ایشان در ذیل روزنامه چه اقبال آنحضرت رقمزده کاک بیان خواهد شد انشاءالله تعالی صاحب جمعیان کارخانه که از سایر صاحب جمعیان مهتر بشمار می آیند

نخست در آغاز جلوس همایون خواجه محرم که در ایام شاهزادگی خواجه سرا و محرم خدمت آنحضرت بود بمهتری رکابخانه محترم شد و هم در آن اوان بجرمی که بی اختیار از وی سرزد گوشه عزلت و کنج انزوا گزیده مهتر شاهنظر باین منصب ارجمند سربلند گردید و پیوسته منظور نظر تربیت و عنایت بود و بر مدارج ترقیات صعود مینمود تا بعد از فتور دارالسلام بغداد که موکب ظفر بنیاد از طاق و سلطان روی معاودت بدارالسلطنه قزوین نهاد در آنجا بار اقامت در دیار آخرت گشاد و بعد از فوت شاهنظر بیک مذکور داود بیک قورچی سابق ترکش که یوزباشی غلامان روسفید حریم حرمت بل بنیک ذاتی و خیرخواهی روسفید دنیا و آخرت بود بسلم بلند پایه این خدمت محترم صعود نمود و تا آخر زمان خاقان رضوان مکان مهتر رکاب خانه و خیرخواه زمانه بود

یوزباشیان غلامان حریم قرب

در آغاز بهار گلزار سلطنت آن حضرت یوسف آقا باین پایه والای ارتقا داشت و چون روزگار سزای بلند پروازیهای او را چنانچه گذشت در کنار او گذاشت

لاچین آقا بتفویض این پایه والا علم اشتهار افراشت و بعد از فوت لاچین آقا داود بیک مشارالیه چنانچه گذشت منظور نظر تربیت و عنایت و یوزباشی غلامان مذکور گشت و چون داود بیک مذکور بجای مهتر شاهنظر مهتر رکاب خانه و محرم حریم قرب شاهانه گردید احمد بیک که او نیز مجلس بلباس نیک ذاتی و خیرخواهی بود بیایه بلند یوزباشیگری غلامان مذکور صعود نموده تا آخر زمان فرخنده نشان آن حضرت باین خدمت نمایان سرافراز بود

ریش سفیدان حرم محترم

در اول جلوس همایون یکی از خواجه سرایان باین خدمت نمایان قیام و اقدام می نمود و بعد از او خواجه محب صاحب جمع خزانه عامره باین خدمت نامی گرامی گردیده این دو خدمت سامی را بتقدیم میرسانید و چنانچه گذشت چون در حین تنقیح محاسبه از صاحبجمعی خزانه عامره معزول و خواجه مشفق بصاحب جمعی سر بلند گشت بدستور بخدمت ریش سفیدی حرم علیه عالیه قیام و اقدام داشت تا روی عزیمت بصوب سفر آخرت گذاشت و بعد از فوت مشارالیه ریش سفیدی حرم محترم علاوه خدمت صاحبجمعی آقا مشفق مذکور گردیده تا اواخر زمان آن حضرت این دو گرامی خدمت را بتقدیم میرسانید

منظر هفتم - در ذکر ارباب مناصب و اصحاب مراتب دفتر خانه همایون در عهد سلطنت خاقان رضوان مکان مرحوم میرزا سعید نبیره خواجه قاسم نظنری مستوفی الممالک بود و شرح حال وی در ذیل حدیقه خامسه سبق ذکر یافته اما منشی الممالک مرحوم میرزا عبدالحسین ادهم بیک اردوبادی برادر دستور اعظم حاتم بیک بود و تا آخر آن عهد خجسته و زمان فرخنده بخدمت انشای ممالک سرافرازی داشت

اما مستوفیان خاصه

در مبادی جلوس همایون میرزا قاسم اصفهانی باین منصب ارجمند سر بلند بود

و در حین اقتدار زینل خان سه ساله هاشم بیگ طهرانی که وزیر جناب خانی بود بدرجه بلند و منصب ارجمند استیفای خاصه صعود نموده. میرزا قاسم مهزول گردید و بعد از آنکه هاشم بیگ چنانچه گذشت بتیغ قهر قهرمان خسرو پاته گرفتار گشت. میرزا محسن اصفهانی ورزنده که وزیر زمان بیگ ناظر بیوتات بود بر پایه بلند استیفای خاصه صعود نمود و تا آخر زمان آن حضرت بالا نشین مسند این گرامی خدمت بود

صاحب توجیه دیوان اعلی

در بهار سلطنت پایدار میرزا صالح خلف اکبر مرحوم میرزا باقر بود که در زمان نواب کیتی ستان فردوس مکان سالها باین منصب والا سرافرازی داشت و چنانچه در ذیل روزنامه اقبال آن حضرت گذشت چون بمنصب سامی استیفای خاصه سرافراز گشت. میرزا صالح مذکور بجای پدر نشست و در سال فتح ایروان که خدمتش بسفر ناگزیر شتافت میرزا محسن برادر کهنتر وی که وزیر امیرخان قورچی باشی بود باین پایه والا اعتلا یافت و تا آخر زمان خاقان رضوان مکان باین منصب سامی گرامی بود

و همچنین در زمان فرخنده نشان خاقان رضوان سریر ضابطه نویس دیوان اعلی میرزا محمد نصیر خلف مرحوم میرزا عنایت الله ضابطه نویس زمان فرخنده اوایل نواب کیتی ستان فردوس مکان و تا آخر زمان آنحضرت بتفویض این منصب والا ممتاز جهانیان بود

اما وزرای سرکارات خرج

در اوایل جلوس همایون عارف اسرار خفی و جلی امیر ابوعلی وزیر قورچیان عظام بود. خدمتش از اجله سادات عالی درجات. هرزاد و قصبه نطنز و برادر زاده مرحوم میر ابوالمعالی مجلس نویس زمان نواب کیتی ستان فردوس مکان است که هم در آن عهد فرخنده بوزارت قورچیان سرافراز شده بود و چون سنین عمرش از حدود ستمین بل سیمین در گذشت طالب استعفا و عازم سفر خیرالبلاد و میرزا شفیع

ولد اکبرش که او ارجه نویس عراق بود بجای پدر وزیر قورچیان و میرزا محمدباقر خلف دیگرش او ارجه نویس عراق گشت و هر دو برادر تا آخر زمان خاقان رضوان مکان باین دو پایه والا ارتقا داشتند

و همچنین در بهار گلزار دولت پایدار میرزا محمد تویسرکانی وزیر غلامان بود مشارالیه در زمان فرخنده نشان نواب گیتیستان فردوس مکان بمجلس نویسی و وزارت غلامان سر بلندی داشت و در اول جلوس همایون که مرحوم میرزا طالب خان خلف حاتم بیک اردو بادی مجلس نویس مجالس ارم نشان گردید وزارت غلامان در وجه میرزا محمد برقرار ماند و چون طالب خان قدم بر سلم بلند پایه وزارت اعظم نهاد دیگر باره میرزا محمد مذکور جامع الریاستین این دو منصب والا بود تا بدرود جهان گذران نمود و چنانچه گذشت منصب مجلس نویسی به میرزا معصوم اختصاص پذیرفته میرزا ابوالفتح خلف میرزا محمد وزیر غلامان گشت و تا آخر زمان آنحضرت باین خدمت ارجمند سر بلند بود

وزیر تفنگچیان

در اول جلوس میمنت مانوس حسن بیک ولد هاشم بیک ملازم علیقلی خان شاملو ایشک آقاسی بود و بعد از فوت مشارالیه آقاملك فراهانی وزیر سابق حسن خان بیگلربیگی هرات و امیرالامرای خراسان بتفویض این خدمت نمایان سرافرازی یافته تا آخر زمان آنحضرت بوزارت تفنگچیان محسود امثال و اقران بود

دیگر از ارباب مناصب دفتر خانه همایون خلیفه سلطانعلی لشکر نویس و خواجه شکرالله سرخط نویس تا آخر آن عهد سعادت مقرون بخدمات مرجوعه قیام و اقدام می نمودند و چون تفصیل اسامی سایر او ارجه نویسان و مستوفیان سرکارات خرج و سایر ارباب قلم را دفتری جداگانه در کار بود بذكر آنان که رقمزده كلك اظهار شد اکتفا نمود و بنا بر آنکه زمان دولت این شهریار تدبیر پیر دولت جوان چون عهد شباب بشتاب گذشت و نام بردها فرصت نیافتند که در

رهگذار آنحضرت جان فدا کنند و وعده جان نثاری ایشان بزمان فرخنده اوان
 خاقان خلد آشیان صاحبقران افتاده بود اگر عمر امان یابد بعد از گلدسته بندی
 گلزار همیشه بهار حدیقه مشحونه بجواهر زواهر واقعات زمان آنحضرت در ذیل
 آن دفتر شرح حال هر يك بیسطی شایان رقمزده كلك بیان خواهد شد انشاء الله تعالی
 منظره هشتم - در ذکر امرای عالی مقدار و خوانین ذوی الاقتدار که از زمان
 فرخنده نشان نواب گیتی ستان فردوس مکات رخت پایداری بعهد
 فرخنده خاقان رضوان مکان کشیده در آن عهد خجسته بینای مآل حال
 خود گردیده اند بترتیب حروف تهجی و دستور مقرر دفتر

امام قلی خان خدمتش ولد الله و یردی خان و امیر الامرای فارس و بیگلربیگی
 کوه کیلویه و حاکم لار و جرون و بحرین و هرموز و کلپایگان و تویسرکان و از جمله
 اعظام امرای عظیم الشان بود پیر تو آفتاب تربیت و عنایت نواب گیتی ستان فردوس
 مکان نسبت باین پدر و پسر نه چنان اردر ذره پروری در آمده بود که نقاش اندیشه
 شبیه و نظیر ایشان را از اقران و امثال بر پرنیان خیال تصویر تواند نمود و چون
 در ذیل روزنامه چه اقبال آنحضرت اشعاری بشرح حال الله و یردی خان شده بنمای
 جاه و جلال امام قلیخان را بر آن میتوان نهاد القصه بدولت غلامی این آستان
 ولایت نشان سالهای فراوان در دارالملک فارس محسود خواقین عظیم الشان و
 سلاطین گردون شان بود و اکثر ملازمان او بیشتر از امرای معتبر مداخل داشتند
 و بدولت ملازمت او در آن دیار رایت اقتدار می افراشتند و بسی و اهتمام ملازمان
 وی دارالمؤمنین بحرین و خطه لار و جزیره هرموز مفتوح گردیده بتصرف اولیای
 دولت ابد قرین درآمد عاقبت بسعایت حساد و اضداد چنانچه گذشت معروض تیغ
 قهرمان قهر خاقان رضوان مکان گشت

آقاخان مقدم که از ایل اتوزایکی ولایت قراباغ بود چون نواب گیتی ستان

فردوس مکان ایل مقدم را از ادنی مرتبه رعیتی باعلی منزله سپاهگیری رسانیده از وجوه چوپان بیگی و سایر اخراجات و تکالیف دیوانی معاف و مسلم گردانید. آقا خان مذکور را حاکم و مقدم ایشان نموده الکاء مراغه را باقطاع آن جماعت مقرر فرمود و در عهد سلطنت آنحضرت چون آقاخان و غازیان مقدم در معمارك جانفشانی لوایم سرپازی بتقدیم میرسانیدند بجرأت و جلادت مشهور و معروف گردیدند و چون تخت فیروز بخت ایران بجلوس همایون خاقان رضوان مکان همدوش فرقدان گردید خان مشارالیه بیشتر از پیشتر در معمارك گیرودار خود را بروی کار آورده منظور نظر کیمیا اثر گردانید و بحکومت ایل مقدم پیوسته معزز و محترم بود تا طریق عدم پیمود و بعد از ارتحال وی غازی سلطان پسر اکبرش منظور نظر تربیت و احسان و بجای پدر حاکم ایل مقدم و با آقاخان ثانی ملقب و موسوم گردیده تا آخر زمان آن حضرت خدمات شایسته بتقدیم میرسانید

پیر بوداق خان پرناک تر کمان خدمتش چنانچه در ذیل روز نامه چه اقبال نواب گیتیستان فردوس مکان ایمائی بآن شد بعد از قتل شاه بنده خان و الدخود در فتور گرجستان در سن سه سالگی قایم مقام والد و حاکم دارالسلطنه تبریز و بیگلربیگی آذربایجان گردید و در عهد سلطنت و شهر یاری خاقان رضوان مکان بنا بر صغر سن از ایالت آن ولایت معزول و رایت اقتدار رستم خان سه سالار بایالت آن دیار منصوب گردید و ستاره بخت پیر بوداق خان تا زمان فرخنده نشان اعلیحضرت ظل رحمن که بانقراض زمان و بانقطاع دوران متصل باد گاهی در اوج کمال و گاه در حضیض و بال قطع منازل زندگانی مینمود تا درین عهد فرخنده بعد از ادراک سعادت زیارت بیت الله الحرام در اثنای آنکه بمنصب و الای خلفائی و ایالت ولایت قراجه داغ سر بلند بود طریق سفر ناگزیر پیمود

پیر غیب خان استاجلو خدمتش را پرتو آفتاب تربیت و عنایت خلاقان رضوان منزلت بر فراز پیدائی اعتبار آورده بایالت ولایت همدان و قلمرو عیشکر سر بلند

فرموده او نیز تا آخر عهد فرخنده آنحضرت بیگلربیگی آنکشور بود
 ملك جلال الدين ولد ملك محمود سيستانى كه از نژاد ملوك صفاریه بشمار
 می آیند در مبدأ جلوس همایون ملك سيستان بود چون روز كارش سرآمد ملك حمزه
 خان خلف ارجمندش بایالت و ملكی آن ولایت سر بلند گردید تا آخر زمان آنحضرت
 بر مدارج عز و علا اعتلا داشت و بنا بر اتصاف بصفات حسنه قابلیت و استعداد در میان
 امثال و اقران رایت امتیاز می افراشت اشعار مرغوب دارد و این رباعی از آنجمله است

رباعیه

از آتش هجران تو ای عهد شکن در دیده نگاه و در لبم سوخت سخن
 تا گریه من صرف کجا خواهد شد سر گردانم چو ابرگم کرده چمن
 حسنخان عبد للوی شاملو مشارالیه در اول جلوس همایون در عوض حسین خان
 والد خود بیگلربیگی دارالسلطنه هرات و امیرالامرای خراسان بود و در میان امرای
 عالیشان افسر امتیاز قابلیت و استعداد بر سر داشت و در قلمرو خط و اقلیم سخنوری
 رایت امتیاز و برتری می افراشت و ارباب استعداد با امید تربیت و عنایت خدمتش
 از اقطار دیار و بلاد روی عزیمت به دارالسلطنه هرات می نهادند و او نیز در رعایت و
 مراقبت ایشان بذل جهد بتقدیم میرسانید و از این گروه دانش پژوه شعرای بلاغت
 شمار بیشتر از دیگران ذله خوار خوان احسان وی بودند و بدستیاری تفقدات و
 پایداری توجهات او بر مدارج ترقیات صعود مینمودند مؤید این مقال آنکه میرزا
 فصیحی هروی که بامداد بخت بلند و راهنمایی طالع ارجمند بفر ملازمت آستان
 آسمان پیوند و شرف مجالست مجالس خلد مانند و خطاب ملك الشعرائی سر بلند
 گردید از راه رعایت و ملازمت وی باین پایه ارجمند رسید و اشعار دلپذیر خان
 مشارالیه در آن زمان عالم گیر بود و این چند بیت از آن جمله است

(نظم)

یارب این مخمور غفلت را می اسرارده همچو آهم بر در دلهای روشن بارده
 خرقة تجرید و نعلین توکل حاضرست داده سامان کارم قوتی در کارده

تابکی چون داغ در یکجا کسی گیرد قرار
 خرقه از کوتاهی شوقم گریبان میدرد
 در زمین کربلا چشم فرات افشان نمای
 چون حسن میترسم از غمخوری روز جزا
 همچو اشکم آبروی یک قدم رفتار ده
 در رفوکاریش از جسم ضعیف تارده
 در طواف کعبه ام مژگان زمزم بارده
 باده آمرزشم از جام استغفار ده
 عاقبت چنانچه گذشت چون متوجه سفرنا گزیر گشت نه حکمرانی هم عنانی کرد و
 نه قابلیت و سخنوری بفریاد رسید

حسینخان بیگلربیگی ولایت لرستان چنانچه در محل خود سبق
 ذکر یافت از امرای عالی شان زمان فرخنده نشان نواب گیتی ستان فردوس
 مکان و در آغاز بهار سلطنت خاقان رضوان مکان بدستور امیرالامرای آن دیار بود
 و در مدت ایالت آن ولایت بپمدستی اطاعت طایفه الوار که بوفور جرأت و جلالت
 اشتهار دارند خدمات شایسته و جان فشانیهای بایسته بتقدیم رسانیده منظور نظر
 تربیت و عنایت گردیده بود و چنانچه گذشت چون در عهد سلطنت و جهانبانی نواب
 خاقانی رضوان مکانی متوجه سفرنا گزیر گشت شاهویردی خان پسر مهترش منظور
 نظر تربیت و عنایت آنحضرت و قایم مقام پدر گردیده بعرض الکمال جاه و جلال
 رسید و چون از روزگار بعلت مستی سرشار رسید باو آنچه رسید و چنانچه اشعاری
 بآن شد بتقریب تیغ آزمائی زخم دار و بآن زخم روانه سفرنا گزیر گردید مراحم
 بیکران خسروانه و عواید بی پایان پادشاهانه علیقلی خان خلف خرد سالش را
 که بحسن صورت و سیرت و وفور مردی و موزونیت در میان امثال و اقران آیتی
 بود حسب الاستدعای پدر بیگلربیگی لرستان و قایم مقام وی گردانید و علیقلی خان
 تا آخر زمان آنحضرت بافسر امیرالامرائی لرستان سر بلند بود

خان احمد خان ولد هلوخان اردلان در زمان گیتی ستانی خاقان فردوس
 مکان بدستور چنانچه مذکور شد از امرای عالی شان و حاکم شهر زور و بیگلربیگی
 ولایت کردستان بود و چون در عهد خجسته خاقان رضوان مکان بشرحی که گذشت